

«مقاله پژوهشی»

بازنگری بهره‌گیری از فضای شهر تهران در جریان رویدادهای معاصر (بررسی موردی انقلاب مشروطه)

اکرم خلیلی‌پور^۱، رضا افهمی^{۲*}، سید مهدی موسوی کوهرپر^۳، داریوش رحمانیان کوشکی^۴

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران*

۳. استاد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: (۱۴۰۰/۰۶/۰۶) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۱۰/۱۶)

Reviewing the utilization of Tehran's space during contemporary events (case study of the constitutional revolution)

Akram khalilipour¹, Reza Afhami^{2*}, Seyyed Mehdi Mousavi Kohper³, Dariush Rahmanian Koshki⁴

1. PhD student, Department of Archeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Research in Art History Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran*

3. Professor, Department of Archeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

4. Associate Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: (28-086-01-2021)

Accepted: (06-01-2022)

Abstract

Social movements are the breaking point of the long-standing system of relations within space and its transformation in terms of meaning and production of new spaces. Therefore, the present study aims to find the transformation of space in one of the most important contemporary social movements, namely the Constitutional Revolution in the Qajar period, and show how the interaction between social/spatial affairs led to a change in the spatial concept of Tehran in that period. The purpose of this study is to investigate the relationship between urban space and the events of the Constitutional Revolution and the symbolic transformation of urban spaces resulting from this social action. The method of the present study was historical-descriptive and the collecting data was done based on the library (documentary) and field (visiting buildings) methods. The results of the research show that in the Constitutional Revolution, three different stages of consumption, production, and spatial confrontation can be observed. In the first stage, events begin in the body of a space that is historically considered legitimate, and then social action creates and represents its spaces, and everyday spaces become part of a new symbolic system of urban space. In the third stage of the revolution, we are faced with the metamorphosis of the spatial concept, the change of the symbolic meaning of pre-existing spaces, and the attempt to occupy the designated spaces to confront the groups involved in the revolution.

Key words: Urban space, Tehran, Constitutional Revolution, Qajar, Spatial representation.

چکیده

تحركات‌های اجتماعی، نقطه برهم خوردن نظام دیرپای روابط درون فضا و دگرگونی آن از بعد معنایی و تولید فضاهای جدید است. از این رو پژوهش حاضر بر یافتن نحوه دگرگونی فضا در یکی از مهم‌ترین تحركات اجتماعی معاصر یعنی انقلاب مشروطه در دوران قاجاریه می‌پردازد و قصد دارد تا نشان دهد که کنش متقابل میان امر اجتماعی / فضایی چگونه منجر به تغییر مفهوم فضایی شهر تهران در آن دوره شده است. هدف از این پژوهش بررسی رابطه میان فضای شهری و رخداد‌های انقلاب مشروطه و دگرگونی نمادین فضاهای شهری ناشی از این کنش اجتماعی است. روش پژوهش حاضر تاریخی و توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی (بازدید از بناها) بوده است. نتایج پژوهش نشانگر آن است که در انقلاب مشروطه، سه مرحله مختلف از مصرف، تولید و مقابله فضایی قابل مشاهده است. در مرحله اول، رویدادها در کالبد فضایی که از منظر تاریخی مشروع محسوب می‌شوند، آغاز و در ادامه کنش اجتماعی به خلق و بازنمایی فضاهای خود اقدام می‌کنند و فضاهای روزمره به جزئی از یک نظام نمادین جدید فضای شهری بدل می‌شوند و در مرحله سوم انقلاب با دگرگونی مفهوم فضایی، تغییر معنای نمادین فضاهای از پیش موجود و تلاش برای تصرف فضاهای تعیین‌یافته با هدف مقابله گروه‌های درگیر در انقلاب روبرو هستیم.

واژه‌های کلیدی: فضای شهری، تهران، انقلاب مشروطه، قاجاریه، بازنمایی فضایی

مقدمه

مهم‌ترین عاملی که در شکل دادن به شهر مؤثر است، سیاست و تأثیر این نگرش‌ها به مقوله فضا است، به گونه‌ای که سیر تحول شهرها و به‌ویژه فضای شهری به‌عنوان مهم‌ترین وجه شهر یعنی بستر زندگی مردم را می‌توان بازتابی از این تغییر نگرش‌ها به حساب آورد (Zieleniec, 2007: 95). جدا از مباحث کلان لوفور پیرامون نحوه شکل گرفتن کلان‌شهر از طریق اعمال همگنی که قدرت در درون را شهر پدید می‌آورد و فضاهای شهری را هم‌ارز و شبیه هم می‌کند و در نهایت یک شبه مشترک فضایی و درکی از شهرنشین بودن می‌سازد (Lefebvre, 1991: 170)، مباحث او به طرح سه‌گانه فضایی بازمی‌گردد که رابطه میان فضا، روابط اجتماعی و قدرت را می‌سازد. از منظر او تجارب فضایی، به‌مثابه بخش محسوس فضا و بستر تعاملات و فعالیت اجتماعی، بازنمایی‌های فضا، بخش ذهنی و تصویری فضا که نشان‌ها و گفتمان قدرت را در خود دارد؛ و فضاهای بازنمایی، فضاهای زیست‌شده اجتماعی هستند که تجربه کنشگر و دلالت‌های او از فضا را شکل می‌دهد (Brenner, 2009: 38).

اما آنچه در نظریه لوفور کمتر دیده می‌شود و در این پژوهش به آن پرداخته شده، نقش تحولات اجتماعی بر تحول فضا است. در این پژوهش قصد بر آن است تا با تمرکز بر یک مورد مطالعاتی نشان داده شود که چگونه کنش‌های اجتماعی و انقلاب‌ها قادرند مفاهیم فضایی درون شهر و مفاهیم حمل‌شده بر آن‌ها را دگرگون کنند و موجب دگرگونی مفهوم بازنمایی شهر در ذهن تجربه‌کنندگان آن شوند. به‌منظور حفظ سه‌گانه مدنظر او قصد بر این است که ابتدا نقش تجارب فضایی در بسترسازی یک انقلاب، نقش بازنمایی‌های فضایی و تحولات آن‌ها در دگردیسی روابط فضا و قدرت و در نهایت دگرگونی فضاهای بازنمایی به‌عنوان دگرگونی تجربه کنشگر و تغییر دلالت‌های او از فضا در بین قطب‌های درگیر در یک کنشی جمعی اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد.

به‌منظور واکاوی این امر و شناسایی رابطه میان جنس واقعه، افراد درون واقعه و فضای شهری، یکی از

منحصربه‌فردترین وقایع در تاریخ شهرهای سنتی ایرانی یعنی انقلاب مشروطه مورد واکاوی قرار گرفته است. دلیل این انتخاب از آن رو بوده که نشان دهیم چگونه روابط درونی یک ساختار شهری که در طول تاریخ خود با تجربه کنش اجتماعی و انقلاب روبرو نبوده، با سرعت بسیار و در طی یک انقلاب به فضای شهری جدیدی منجر می‌شود و تجربه فضایی و بازنمایی فضایی جدیدی را برای ساکنین خود پدید آورده و سیر تاریخ فضایی شهر را دگرگون می‌سازد. این پدیده از آن نظر حائز اهمیت است که جنبش مشروطه خود در نتیجه تحولات فضایی رخ داد که از آغازین روزهای شروع روند مدرنیزاسیون در ایران روند فکری آن به آرامی آغاز شده بود و با وقوع خود منجر به شکل‌گیری ارزش‌های جدید، انتظارات و تحرکات اجتماعی بعدی در بستر شهر تهران تا زمان انقلاب اسلامی شد. اهداف پژوهش حاضر را شناسایی بستر فیزیکی رخدادهای مشروطه، رابطه میان رخداد، اهداف سیاسی و اجتماعی و نحوه مصرف فضای شهری و دگرگونی ماهیت فیزیکی و فضای بازنمایی شده شهری تشکیل می‌دهد.

پیشینه پژوهش

جدا از مجموعه کتاب‌ها و نوشتار لوفور در زمینه شهر و نظریه اندیشه تولید فضا که با هدف بررسی تاریخی و انتقادی نقش رویکردهای اقتصادی سیاسی نوشته شد و مجموعه گفتارهایی که او در زمان جنبش دانشجویی ۱۹۶۸ درباره نقش فضا در این رخداد بیان داشت، افراد دیگری نیز به بسط نظریات او در این زمینه پرداختند. به دلیل گستردگی نظریات لوفور در این زمینه آثار افرادی همچون مارک پورسل به بسط نظریه او درباره حق به زندگی شهری و نقش آن‌ها در شکل دادن به محیط خود پرداخته‌اند (Purcell, 2002: 98). ساندر آیلین در اثر خود از لحظه‌ای تا تاریخی: ریتم‌ها در تولید اجتماعی شهر به بررسی فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگی‌های شهری و ذهنیت از شهر پرداخته و سعی کرده تا روابط اجتماعی درون شهرها را با سیاست‌های اجتماعی فضا و فضاهای عمومی پیوند بزند

اجتماعی در این دوره پس از توسعه مدرنیته در ایران پرداخته است.

نوآوری پژوهش حاضر در پیوند این اطلاعات تاریخی و تلاش بر ارائه تصویری از تحول مفهومی بازنمایی فضایی در طی یک رویداد و بازنمایی فضایی ناشی از آن و نحوه تحول ادراکی فضای شهری در یک سیر تاریخی کوتاه و با محوریت انقلاب مشروطه است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای و در زمره مطالعات انتقادی است که به دو روش تاریخی و توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. شیوه گردآوری منابع به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و از طریق بازدید میدانی از بناها و محیط شهری برجای مانده بوده است. در نهایت با تحلیل و مقایسه اطلاعات این دو بخش، فضای شهری انقلاب مشروطه مورد بررسی قرار گرفته و با تعیین مقاطع زمانی تحولات فضایی در این دوره، تفسیری تاریخی از تحولات فضایی شهر تهران در این دوره ارائه شده است.

نحوه مصرف فضاهای شهری مهم سیاسی تاریخی در انقلاب مشروطه

تحول نحوه مصرف فضاهای شهری در دوران مشروطه را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

ماجرای گورستان و مسجد جامع

خرید یک مدرسه مخروبه و تعدادی از خانه‌های مردم همچنین تصرف یک قبرستان متروک علیرغم نظر علما در نزدیکی مرکز شهر میان بازار کفشدوزان و مسجد خازن‌الملک و امامزاده سیدولی برای احداث بانک و به چاه ریختن استخوان مردگان و به‌ویژه جسد زنی که تازه دفن شده بود، نارضایتی شدید دسته‌ای از روحانیان و اهالی محله را در پی داشت (آدمیت، ۱۳۳۵: ۴۳). با فرا رسیدن ماه رمضان زمینه لازم توسط روحانیون چیده شد

(Merrifield, 2000: 179). استوارت الدن در جمع‌بندی مروری از نظریات تولید فضا به وجود ماتریس‌های معنایی که بتواند جنبه‌های واقع‌گرایانه و معنایی فضا و نقش‌آفریننده و سرکوبگر آن‌ها پرداخته است (Elden, 2004: 30). در کنار تحقیقات بیشماری در این زمینه، تحقیقات دیگری نیز از منظر تاریخی به این موضوع پرداخته و با بررسی باستان‌شناسانه منظر و مناظر شهری سعی کرده‌اند تا میان بستر شهری و ایدئولوژی و برهم‌کنش آن‌ها ارتباط برقرار کنند و به ماهیت فضاهای شهری و سیاست از منظر خرده‌فرهنگ‌ها، تحولات مهاجرت و جمعیت و نژاد و ... بپردازند (Smith & Neil, 2013: 6).

در زمینه پژوهش‌های مشروطه نیز به دو رسته می‌توان اشاره کرد: رسته اول که به تاریخی سیاسی در این دوران می‌پردازد و رسته دومی که به بررسی معماری و شهرسازی در این دوران از منظر تحولات سبک و شیوه طراحی فضا در این دوره اشاره دارد که در پژوهش حاضر مرجع بسیاری از مستندات قرار گرفته‌اند و از جمله آن‌ها می‌توان به آثار سید محسن حبیبی در زمینه تغییر ریخت‌شناسی شهر و تولد خیابان در ایران و تحول سبک بناها (حبیبی، ۱۵۲: ۱۳۷۳)، اثر ابوالحسن ریاضی درباره تأثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار و تهران مشروطه و عناصر فضایی و ساختار محلات دوره قاجار می‌پردازد و آثار وحید قبادیان درباره معماری دوره ناصری، تکیه دولت اثر حسنعلی پرومند و سید حبیب‌الله لزگی و تکیه‌های دولتی در عصر قاجار اثر مسعود کوهستانی‌نژاد که بر سیر تاریخی تولد و ویژگی‌های طراحی این بناها از منظر معماری و شهرسازی متمرکز شده‌اند، اشاره کرد اما در بسیاری از این آثار ردپایی از نقش تحولات سریع اجتماعی بر ساختار ادراکی و بازنمایی فضایی شهر و معماری دیده نمی‌شود. نزدیک‌ترین اثر به پژوهش حاضر لاله‌زار - عرصه تفرج، از باغ تا خیابان (شکل‌گیری خیابان به سبک اروپایی در دوره ناصرالدین‌شاه) از محسن حبیبی و زهرا اهری و ... است که به رابطه تحولات فضایی و

و در اواخر این ماه خطبه شیخ مصطفی آشتیانی، متولی و روحانی سرشناس مسجد خازن‌الملک درباره این موضوع، با مداخله طلاب به یورش مردم و تخریب ساختمان نیمه‌ساز بانک در زمین قبرستان علی‌رغم مخالفت مأموران حکومت منجر شد. بانک روس به دولت شکایت کرد و شاه با پرداخت خسارت و عدم مقابله با عالمان سعی کرد اوضاع را آرام کند (تقی‌زاده، ۱۳۳۸: ۵۸).

این رویداد را باید تداوم مقابله علما از دوره ناصرالدین‌شاه در اعطای امتیاز به بیگانگان و اعتصاب تنباکو که از ریشه‌های مشروطه محسوب می‌شود، در مقیاس فضای عمومی دید، اما نامه‌ای که آیت‌الله طباطبایی به معتبرالدوله، وزیر خارجه و مشیرالدوله، وزیر داخله نوشت، حاوی نگرشی جالب نسبت به مقوله فضا است. عدم جایز بودن تصرف زمین وقف و مسجد، نزدیکی این بنا به مسجد و امکان نزاع ناشی از اعمال نامشروع و صدای موسیقی بیگانگان و به‌ویژه مشرف بودن این بنا بر ابنیه و عمارات دولتی و ارگ نشانگر دو نقطه مذهبی و دولتی به‌عنوان نقاط عطف شهر است. در این واقعه به پشتوانه یکی از این نهادها دامنه اثرگذاری مردم از مرزهای کالبدی فضای مسجد فراتر رفت، اما همچنان نقش پایگاه سنتی در کنش در قالب زمان و مکان مذهبی در این واقعه دیده می‌شود. اما با بروز این واقعه مردم فرصت اعمال قدرت در فضای عمومی شهری را پیدا کردند و توانستند نقش آفرینی و کنشگری متفاوتی را در صحنه شهر تجربه کنند (کسروی، ۱۳۶۳: ۵۸).

علاءالدوله پس از استقرار بر مسند حکومت درصدد تلافی اعمال اخیر علما و تحصن صنفی تجار در حرم حضرت عبدالعظیم بود، که از اولین بارقه‌های همراهی تجار با مشروطه محسوب می‌شود (پاولویچ، ۱۳۳۷: ۷۹). اولین کاری که او کرد این بود که به بهانه گرانی تجار قند را به فلک بست. بازاریان به پشتیبانی از بازرگانان بازارها را تعطیل کردند و تجمعی تظلم‌خواهانه در مسجد شاه به‌عنوان مسجدهای حکومتی شکل گرفت (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۱۲). مسجد در مرکز شهر، جنب بازار و در نزدیکی ارگ قرار داشت اما این نمایش قدرت مخالفان دولت با تدبیر

امام‌جمعه که از طرفداران عین‌الدوله بود، شکست خورد و رهبران مخالف در حرکتی مشهور به مهاجرت صغری به حرم حضرت عبدالعظیم پناه بردند (ترابی فارس‌ساز، ۱۳۸۴: ۱۷). بازاریان نیز به تدریج جسارت بستن بازار را به دست آوردند (حیبی، ۱۳۸۷: ۴۸). این عمل فضای بازار را به کانون دیگری برای قدرت یافتن مشروطه بدل ساخت.

در ۱۸ جمادی‌الاول دستگیری شیخ محمد واعظ، از وعاظ سرشناس مخالف دولت و افراد مؤثر در واقعه قبرستان، در مقابل مسجد و مدرسه حاجی ابوالحسن که مکانی عمومی و محل اجتماع به شمار می‌رفت، با مقاومت طلبه‌ها و مردم بازارچه روبرو شد (سالور، ۱۳۷۴: ۱۸۰۰). درگیری‌ها به کشته‌شدن طلبه‌ای به نام سیدعبدالحمید انجامید. بردن جسد وی به مسجد جامع همچون مجسمه‌ای بداهه در دست معترضان، نمایشی اثرگذار در خیابان‌های شهر مهیا کرد. بازار و کاروانسراها و تیمچه‌ها بسته شد و شهر به حالت عزاداری در آمد و تجار نیز که از شرکت علنی در وقایع سابق خودداری می‌کردند به جماعتی که در مسجد جامع حاضر بودند اضافه شدند و حتی زنان با فریاد دلخراش، فحاشی و نفرین، مردها را به یاری مظلومین تشویق می‌کردند (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۳۵۵). نقش علما در شکل‌گیری این تجمع و در پایان دادن به آن برجسته بود (نجم‌آبادی، ۱۹۹۵: ۴۱). دفن عبدالحمید در مسجد جامع و تأکید آیت‌الله بهبهانی در نامه خود به سفیر انگلیس مبنی بر تجمع در مسجد جمعه به‌عنوان یکی از مراکز بزرگ و مقدس اسلامی نشان از تبدیل شدن مسجد به فضای مشروطه‌طلبان و فضایی در تقابل با دولت دارد (صفاری، ۱۳۴۲: ۴۹). فضایی که درنهایت درخواست مشروطه در آنجا مطرح شد.

در تقابل با این یکپارچگی بازار و مردم به‌عنوان مهم‌ترین نمایش عمومی اولیه در مشروطیت، و شهادت اولین شهید مشروطه که ذکر مصائب او در روضه‌خوانی‌ها و حتی تا سالگرد باشکوه او در مسجد جامع ادامه یافت، دولت تسخیر فضای عمومی شهر را آغاز نمود و صحنه شهر را به شکلی نظامی آراست. دولت به کمک جارچی‌ها

۱۳۱۵ق با حضور جمعی از روشنفکران و دولتمردان در مدرسه رشديه برگزار شد (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲:۱۸۸) و تلاش‌های این انجمن برای تأسیس کتابخانه ملی در سال ۱۳۲۲ق با اجاره چند بالاخانه در خیابان ناصری تهران که در زمرة خیابان‌های تازه تأسیس در جریان توسعه تهران بود (ملک‌زاده، ۱۳۸۳:۲۱۱) و قلب شهر کهن یعنی بازار را با میدان تازه تأسیس شهر یعنی توپخانه مرتبط می‌کرد. وجهه مدرن این خیابان مثل کف‌سازی، درختکاری و چراغ‌هایی که در خیابان کار گذاشته شده بود، آنجا را به گردشگاه مناسبی برای عامه بدل کرده بود (براون، ۱۳۸۰:۱۲۱). استقرار دارالفنون در این خیابان و تبدیل شدن آن به محل کتابفروشی‌هایی که عین‌الدوله بعدها آن‌ها را کتابفروشی‌های مشروطه نامید (بهجت‌پناه، ۱۳۹۱:۶۵) به معنای تسخیر بخش مدرن شهر در اختیار قشر محدود روشنفکرانی بود که در دوره ناصری از ترس سرکوب حکومت اجازه ابراز وجود نداشتند (سالور، ۱۳۷۴:۲۴۰۴). هرچند این دوران کوتاه با تعطیلی کتابخانه به سر رسید اما این تجربه به روشنفکران آموخت که زمان آن است که از انزوا درآیند و وارد عمل شوند.

با از دست دادن فضای رسمی در شهر، مکان جلسات آن‌ها پس از مشورت بسیار در باغ میرزا سلیمان‌خان میکده انتخاب شد که در خیابان گمرک و در بخشی از شهر قرار داشت که در نتیجه توسعه تهران به شهر افزوده شده بود (براون، ۱۳۸۰:۱۲۳). محلی کم‌جمعیت و باغی که علاوه بر در اصلی در کوچک متروکی به صحرای امین‌الملک داشت و به دلیل عدم نیاز به خروج از شهر و دروازه‌های تحت کنترل، قابلیت بیشتری برای حفظ امنیت اجتماع داشت. در اجتماع روز دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۲ق قطعنامه‌ای هجده ماده‌ای برای کنشگری در فضای اجتماعی شهر نگاشته شد، بهره‌برداری از مجالس دینی برای کاهش مقابله بدخواهان و تلاش برای انتشار شب‌نامه در دستور کار قرار گرفت. شب‌نامه‌ها به ابزاری برای تولید فضا و تغییر و تصاحب آن تبدیل شدند (یزدانی، ۱۳۹۱:۳۸).

در شب تسلط خود را بر شهر به رخ می‌کشید و فردای آن روز که معترضان با بیرقی از پیراهن خونین سیدعبدالحمید، سینه‌زنان از مسجد بیرون آمدند و تا نزدیکی ارگ رفتند و آن را به‌عنوان دستاوردی برای خود تلقی کرده و تلاش بر تکرار آن کردند، افراد را در بیرون مسجد سرکوب کردند و چند تن در زدوخورد درون بازار کشته و مجروح شدند. این اقدامات حامل این پیام بود که بیرون از مسجد مصنوعیت مسجد را ندارد؛ دولت آن را قلمرو خود می‌داند و سخت‌گیرانه از مالکیت و تسلط خود بر آن دفاع می‌کند. درنهایت این امر با محاصره مسجد و بستن راه آب و غذا بر مسجد ادامه یافت و شرایط به قدری سخت شد که درنهایت، روحانیان باقی‌مانده در مسجد ناچار به ترک شهر و رفتن به قم شدند. باوجود حمایت روحانیت از حکومت، دولت به‌وضوح رابطه پیشین خود با علما را از دست‌رفته دید و به‌منظور آرام کردن فضای شهری، آن‌ها را وادار به عزیمت به قم و تحصن در آنجا نمود.

در جریان هر رویداد، هر مکان باز تعریف و روابط و موقعیت‌های آن به چالش کشیده می‌شد. این دوره تقابل فضایی درون شهر را به‌وضوح نشان می‌دهد. در این دوران مشروطه فاقد کانون‌های فضایی شهری است و بخش اعظم اعتراض‌های شهری منجر به فرمان مشروطیت، با رهبری روحانیان و در مکان‌های مذهبی ادامه یافت که در راستای سنت دیرین تظلم‌خواهی قرار داشت و به‌نوعی خانه خدا تلقی می‌شد (یزدانی، ۱۳۹۶:۱۱۸). با اینکه مکان‌های مذهبی در بسط آگاهی و خواست تغییر در میان سطح وسیع‌تری از مردم نقشی مهم داشتند، اما از آنجاکه خود حامل روابط سلسله‌مراتبی بودند، توانشان برای تغییر در روابط فضایی موجود و ایجاد فضایی تازه محدود بود. در کنار کانون مذهبی، بازار به‌عنوان نهادی سنتی و سازمان فضایی دیگری در شهر شکوفا شده بود.

انتخاب میرزاعلی‌خان امین‌الدوله، از روشنفکران و متفکران آن زمان، به‌عنوان رئیس‌الوزرا موجب اصلاحات جامعی شد. از جمله اصلاحات او تشکیل انجمن معارف (آجودانی، ۱۳۸۲:۲۷۱) بود که اولین جلسه آن در سال

بست‌نشینی سفارت انگلستان

پیوندهای نزدیک ناصرالدین‌شاه، و سپس مظفرالدین‌شاه با روس‌ها، جنبش مشروطه را به سمت کسب کمک از بریتانیا سوق داد و آن‌ها که نگران از نفوذ فزاینده دولت تزاری ایران بودند از توسعه همکاری استقبال و به حامی جنبش بدل شدند. این امر در نامه آیت‌الله بهبهانی به سفیر انگلستان مبنی بر حمایت از مشروطه خواهان در زمان مهاجرت نیز قابل مشاهده است. با مهاجرت و غیاب روحانیان و با سلب امنیت اماکن مذهبی، در شب ۲۷ جمادی‌الاول حدود ۵۰ نفر از بازاریان و طلاب وارد سفارت شدند. سفارت انگلستان جای کافی برای اجتماع مردم داشت و مهم‌تر از آن، می‌توانست امنیت متحصنان را تأمین کند. روز بعد دکان‌ها بسته و مدارس طلاب تعطیل و مردم دسته‌دسته وارد سفارت شدند (ماتوف، ۱۳۲۶: ۸۴). در باغ سفارت هر صنف برای خود چادر زد و بیش از ۵۰۰ خیمه تعبیه شد و هر گروه شعری در ارتباط با صنف خود نوشته و بر سر خیمه خود آویخته بود (فلور، ۱۳۶۶: ۷۰). به این ترتیب، سنت اجتماعی اصناف در صحنه سیاسی شهر به نمایش در آمد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این تحصن نظم و امنیت حاکم بر این جمعیت بود و به معنای تغییر در موقعیت مردم و تجربه هویت اجتماعی متفاوت و تولید فضایی تازه برای مراودات سیاسی گروه‌ها بود.

هرچند هدف اولیه تحصن‌کنندگان آزادی علما و خون‌خواهی کشتگان بود ولی با اوج‌گیری خیزش و راهنمایی‌های سخنرانان و روشنفکران، درخواست‌های دیگری اضافه شد که عمده آن‌ها امنیت عمومی، عدم دستگیری تحصن‌کنندگان و افتتاح عدالت‌خانه بود. بست‌نشینی سفارت به دلیل فقدان ویژگی‌های بست‌نشینی در مراکز مذهبی، به مکانی برای نمایش فضایی قدرت اصناف بدل شد و تجار و بازاریان را از نیروی فرعی مشروطه به نیروی اصلی بدل کرد و در ادامه نیز به تقویت نقش آن‌ها در مجلس اول بدل شد. همچنین باعث همراهی روشنفکران با روحانیان شد که درخواست‌های اصلی مشروطه را ارتقا بخشیدند. زیرا تغییر مکان و فضا امکان

طرح سخنانی تازه و بی‌سابقه را فراهم کرد. اعتصاب عمومی بازار برای بیست و یک روز و بیم از سرپیچی نظامیان، درنهایت به تسلیم دربار و صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق توسط مظفرالدین‌شاه منجر شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۰).

تجارب کتابخانه ملی، تجمع باغ میکده و بست‌نشینی در حقیقت بارقه‌هایی از فضایی تازه بودند که امکان کنشگری و ابراز عقاید سیاسی را برای اشخاصی فراهم کرد که پیش‌ازین جایی بر صحنه سیاسی شهر نداشتند. تحقق چنین فضایی و امدار مکان‌هایی بود که در امنیتی نسبی و فارغ از هنجارهای از پیش تعیین‌شده، امکان تجمع آزادانه و خلاقانه مردم را فراهم کردند. شکل رسمی چنین فضایی چندی بعد در مجلس شورای ملی محقق شد؛ مجلسی که با نصب لوح عدل مظفر بر سردر آن بخشی از شهر را به نام خود و این فضای نوظهور مهر زد (کرمانی، ۱۳۷۶: ۹).



نقشه شماره ۱. نقشه فضاهای شهری انقلاب مشروطه،

منبع: <http://www.visitiran.ir>

مجلس و بهارستان

نخستین مکان در نظر گرفته شده برای استقرار مجلس، درون ارگ سلطنتی بود. اما مجلس پس از دو جلسه برگزاری در مدرسه نظام به خانه مشیرالدوله یعنی عمارت کنونی بهارستان که برای استقرار مجلس در نظر گرفته شده بود انتقال یافت. زیرا استقرار این نهاد درون ارگ حکومتی آن را آسیب‌پذیر می‌کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۳۷). فاصله

عمومی آن را تقویت و مالکیت و سلطه خاصی را بر فضای آن القا نمی‌کرد. کارکرد عمومی آن برخلاف میدان توپخانه بود که از دوره ناصری با اهداف مشخص نظامی، حکومتی و نمایی و به‌منزله مکانی برای بیان توانمندی و عظمت حکومت و نمادی از قدرت شاه به‌واسطه استقرار توپ به‌عنوان پیشرفته‌ترین سلاح جنگی آن زمان بود (نجفی، ۱۳۹۰:۱۱۴). عدم محدودیت در ورود و خروج و مسیرهای مختلف دسترسی به آن بر پیوند میان مجلس و میدان با شهر می‌افزود. اهمیت این نقش برای نهادی مانند مجلس که در رابطه با مردم تعریف می‌شد بسیار بیشتر بود و بستری مناسب برای حضور خلاق مردم را به این نهاد می‌افزود. سکوت میدان امکان شنیده شدن زمزمه‌های مردم را فراهم می‌کرد و هویت سیال آن فرصتی برای عمارت بهارستان بود تا بتواند حضور هر چه اصیل‌تر مجلس را به‌منزله فضایی برای گفتگوهای ملی، در شهر محقق کند. تأسیس مجلس از بدو امر با حضور مردم پیوند خورده و این حضور مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده به هویت مجلس به شمار می‌رفت. شیوه مستقیم رساندن عرایض به مجلس عملاً این مکان را به محل رجوع بخش وسیع‌تری از مردم در جریان زندگی روزمره‌شان تبدیل کرد و بر اهمیت بنای مجلس در واقعیت فضای شهری افزود (کسروی، ۱۳۶۳:۳۳۹).

در مجاورت مجلس، مدرسه و مسجد سپهسالار نیز به عضو دیگری بدل شد که در تحقق فضای گفتگو در شهر نقش مهمی داشت (طباطبایی، ۱۳۹۲:۷۶). مسجد سپهسالار که مردم به دلیل شبهه غصبی بودن زمینش رغبتی به حضور در آن نداشتند، به دلیل بازارچه‌هایی که، علیرغم مکروه بودن خرید و فروش در مسجد، هر ساله در ماه رمضان در آن برگزار می‌شد، مورد توجه بود (سالور، ۱۳۷۴:۱۱۹۳). با استقرار مجلس، مسجد نیز موقعیت تازه‌ای در فضای اجتماعی و سیاسی شهر یافت و با قدرت گرفتن مجلس و مقدس‌انگاشتن آن، به‌تدریج این مکان را نیز به محل بست و تحصن تبدیل کرد. همچنین انجمنی با عنوان انجمن مرکزی در مدرسه سپهسالار شکل گرفت که وظیفه هماهنگی میان سایر انجمن‌ها را برعهده داشت (اتحادیه، ۱۳۸۱:۲۴۱).

عمارت که در نزدیکی حصار قدیم و مجاورت دروازه شمیران قرار داشت، از مرکز شهر سبب شد تا مجلس بتواند بی آنکه تحت‌الشعاع حضور نهادهای کهن و سنت‌های فضایی آن قرار گیرد، فضای مطلوب خود را ایجاد کند (اهری و دیگران، ۱۳۹۴:۴۸). علاوه بر این، صحن بزرگ عمارت بهارستان و هم‌جواری آن با مکان‌هایی چون میدان بهارستان و مسجد سپهسالار، امکان تجمع مردم را به نحوه‌ای گوناگون مهیا و پیوند این نهاد با شهر را تقویت می‌کرد و در تثبیت موقعیت مجلس و مشروطیت در شهر نقش عمده‌ای داشت (سالور، ۱۳۷۴:۱۱۹۴). به این ترتیب مشروطیت و حکومت قانونی عرصه فضایی مشخصی در شهر به دست آورد و تبدیل به نقطه کانونی و قدرت‌جذیدی در شهر شد. فضای باز عمومی مجاور ساختمان در بدو شکل‌گیری مجلس، شخصیت بارز و حتی عنوان مشخصی نداشت و هویت خود را از هم‌جواری با باغ نگارستان، اقامتگاه تابستانی فتحعلی‌شاه، می‌گرفت و تا سال‌ها به‌عنوان میدان نگارستان شناخته می‌شد. فضایی بدون طرح قبلی که با ساخته شدن عمارت‌های اطرافش به‌مرور زمان شکل گرفت و تعیین کالبدی یافت و به‌تدریج به مکانی برای برگزاری اعیاد و جشن‌ها و مراسم قربانی بدل شد (اهری و دیگران، ۱۳۹۴:۵۰). این ویژگی میدان یعنی عدم وجود نقشه مشخصی برای آن، که آن را از انتساب به مراکز قدرت دور می‌کرد و اینکه فضایی بکرتر نسبت به فضاهای مرکزی شهر که ظرف زندگی روزمره مردم به‌حساب می‌آمد و درعین‌حال تجربه حضور و اجتماع در آن برای مردم دور از ذهن و بی‌سابقه نبود؛ آن را به فضایی پذیرا و پرقابلیت بدل می‌کرد. باوجودی که پهنه میدان از بناهای محصور خود هویت می‌یافت، اما میدان بود که در شکل‌گیری هویت بناهای پیرامون خود و تبدیل آن‌ها به نشانه‌های شهری نقش ایفا کرد. ساختمان مجلس با سردر طراحی‌شده برای آن و به‌واسطه مجاورت با این میدان به یک نشانه شهری بدل گشت و میدان به‌عنوان پیش‌فضای آن به مکان پیوند مردم و مجلس و عامل ارتباط میان مردم و این نهاد تبدیل شد. میدان بهارستان برخلاف ارگ فاقد دروازه بود که وجه

نیز همچنان با نوشتن لایحه، ضدیت خود را با مشروطه‌خواهان ادامه داد (روزنامه حبل‌المتین، ۲).

تقابل شاه با امضای متمم قانون اساسی مشروطه و تلاش حکومت در برهم‌زدن نظم شهر و ناامن کردن آن در زمان اعتراضات مردمی به امضای متمم از دیگر نشانه‌های بارز بدل ساختن صحنه شهری به مکان تقابل حکومت و مجلس بود (کسروی، ۱۳۷۴: ۲۰۴). در جریان کشمکش‌های مربوط به متمم قانون اساسی و امتناع محمدعلی‌شاه از امضای آن، جمع کثیری به نشانه اعتراض در تکیه دولت گرد هم آمدند تا خطابه ملک‌المتکلمین را بشنوند. حضور مخالفان در تکیه دولت که در نزدیکی کاخ گلستان بود، نشانگر تقابل مکان‌های مذهبی در شهر و نزدیکی مخالفان به ارگ حکومتی بود. او در هنگام نطق خود به قبر مظفرالدین شاه اشاره کرد و آن را مدفن شاهی خواند که فرمان مشروطه را امضا کرده بود و حال پسرش با مشروطه ناسازگاری می‌کرد (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۲۸).

ظهر ۲۱ رجب ۱۳۲۵ق، امین‌السلطان، صدراعظم وقت، پس از قرائت دستخط شاه مبنی بر قبول متمم قانون اساسی و در هنگام خروج از مجلس به دست یکی از اعضای انجمن فداییان ملت به نام عباس آقا صراف ترور شد و ضارب نیز پس از قتل وی به روایتی خودکشی کرد (شمیم، ۱۳۸۶: ۴۷۲). مشروطه‌خواهان که قدرت کافی برای ایجاد مکان‌های نمادین تازه‌ای برای گردهمایی ملت را داشتند، تلاش کردند تا از قاتل وی اسطوره قهرمان جان‌فشان در راه مشروطه را بسازند و به این قتل مشروعیت دهند. مجلس هفتم و چهلم عباس آقا با شکوه و جمعیت بسیار برگزار و به تدریج این مزار به مکان نمادین و مرکز اجتماع دیگری برای مشروطه بدل شد (کسروی، ۱۳۷۶: ۴۴۷). در تقابل با قتل عبدالحمید در دوره آغازین که نشانه تظلم‌خواهی در مورد یک طلبه را داشت، در این دوره بزرگداشت عباس آقا صراف و تبدیل مقبره او به نماد مشروطه به معنای تقابل مستقیم با شاه و مستبدین بود. از دیگر اقدامات شهری محمدعلی‌شاه برای نمایش قدرت شاه و به حاشیه راندن مجلس و حذف آن از فرایند تظلم‌خواهی، نصب دستگاه

در تقابل با مناسبات فضایی قدیم شهر که دو قطب ارگ حکومتی و مساجد اصلی شاه و جامع را به‌عنوان دو نهاد متضمن حکومت شاه و روحانیون در خود داشت و ساختمان مجلس و مجاورت آن با مسجد و مدرسه سپهسالار به‌عنوان نمادی از قدرت سیاسی مردم و نهاد دینی تازه رونق یافته، ماهیتی متفاوت از نهادهای پیشین را به نمایش می‌گذاشت و مرکز ثقل جمعیت شهر را از ارگ و میدان توپخانه به سمت عمارت و میدان بهارستان می‌برد و در واقع قطب سیاسی سومی در شهر ظاهر شد (مفقود، ۱۳۸۱: ۵۸).

تقابل فضا‌های شهری بهارستان و توپخانه

با روی کار آمدن محمدعلی‌شاه روابط دربار و مجلس دگرگون شد. تلاش محمدعلی‌شاه برای بهره‌برداری از اختلافات میان مشروطه و مشروعه در زمان تدوین و تصویب قانون اساسی، او را به روحانیان مخالف مشروطه و در رأس آن‌ها شیخ فضل‌الله نوری نزدیک کرد (رحمانیان، ۱۳۹۰: ۱۱۳). نخستین محرم پس از استقرار مجلس در ۱۳۲۵ق مستبدین روی کار آمدن مشروطه را به‌عنوان مانعی برای عزاداری‌های ماه محرم برشمرده و از روضه‌خوانی این ماه به‌عنوان فرصتی برای ابراز مخالفت با مشروطه و مجلس استفاده کردند (ترکمان، ۱۳۶۲: ۹۳).

مجالس روضه‌خانه شیخ فضل‌الله علاوه بر مقرر مشروعه‌خواهان، به مکان گردهمایی طرفداران ضدیت با مشروطه تبدیل شد. بدین ترتیب نهاد و فضای مذهبی که خود از اولین پایگاه‌های جنبش مشروطه بود به فضایی مخالف آن بدل شد. در هشتم جمادی‌الاول ۱۳۲۵ق، مخالفان مشروطه در پناه مشروعیت شیخ فضل‌الله نوری، قصد داشتند در مسجد جامع چادری برپا و آن را به محل اجتماع خود بدل کنند. این تصمیم واکنش شدید مشروطه‌خواهان را در پی داشت. آن‌ها با هدف عازم شدن به سوی خانه شیخ فضل‌الله و بیرون راندن او از شهر در مدرسه صدر جمع شدند. شیخ با شنیدن این خبر، عازم حرم حضرت عبدالعظیم شد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۳۱) ولی در زمان تحصن



تصویر شماره ۱. تجمع میدان توپخانه، منبع: روزنامه آینه غیب‌نما، ش ۲۳.

در مقابل، فردای آن روز اجتماع بزرگی از مشروطه‌خواهان در مجموعه بهارستان شکل گرفت. عمارت بهارستان، میدان روبروی آن، و مدرسه سپهسالار مملو از جمعیت شد. در نتیجه این رویداد دو قطب مشخص به مرکز بهارستان و توپخانه در شهر ظهور یافت (اهری و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۰). هر انجمن یکی از حجره‌های مدرسه، که فضایی وسیع و روشن داشت، را گرفته و تابلوی خود را بر سردر آن آویزان کرده بود. به این ترتیب تجمع مدرسه سپهسالار همان شکل آشنا را به خود گرفت؛ طرفداران مشروطه با ایجاد شکافی در دیوار میان مدرسه و باغ بهارستان، این دو بخش را به هم متصل کردند تا عبور و مرور میان این دو مکان آسان‌تر شود (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۱۷۰). به این ترتیب، فضای دو میدان شکلی نظامی و امنیتی به خود گرفت. تجمع بهارستان شاه را ناچار به برچیدن اجتماع میدان توپخانه مجبور کرد (رحمانیان، ۱۳۹۰: ۱۲۶).



تصویر شماره ۲. تجمع میدان بهارستان، منبع: روزنامه آینه غیب‌نما، ش ۲۳.

تلگرافی در میدان توپخانه بود تا مردم از طریق آن بتوانند شکایات خود را مستقیماً به شاه برسانند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۴۵). به تدریج نیز این میدان به مهم‌ترین کانون تجمع مخالفان مشروطه در شهر تبدیل شد. دروازه‌های میدان گرچه کارکرد دفاعی داشتند، اما نقش مهمی در تحت کنترل بودن و مالکیت نمادین این فضا را تشدید می‌کردند. وسعت و قرارگیری آن در محدوده مرکزی شهر و وسعت آن نیز آن را به بهترین موقعیت برای نمایش قدرت حکومت در برابر رقبای مشروطه خواهش بود. مجموعه ویژگی‌های متفاوت این دو میدان، خصوصاً ویژگی‌های فیزیکی آن‌ها از یکدیگر، این دو را به مکان‌های مناسبی برای ظهور عینی تقابل در شهر تبدیل کرد. چنین بود که این دو مکان به مرور از حالت خنثی نسبت به هم خارج و به مثابه نماد ترتیب مشروطیت و ترتیب استبداد، به قطب‌های مقابل هم تبدیل شدند.

اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مجلس، به تدریج به ریزش عده‌ای از مشروطه‌خواهان و پیوستن آن‌ها به صف مخالفان مشروطه انجامید (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۱۱۸). این جداشدگان نخستین بار به شکلی قدرتمند در واقعه میدان توپخانه به تقابل با مشروطه‌خواهان پرداختند. یکشنبه ۹ ذی‌القعدة ۱۳۲۵ق، دسته‌هایی از مثنی‌های محله سنگلج و چاله میدان، روانه مسجد سپهسالار شدند و شروع به عریه‌کشی علیه مجلس و مشروطه کردند. سپس، دسته‌جمعی روانه میدان توپخانه شدند که پیش از این، با برپا کردن چادرهای دولتی، برای تحصن مخالفان مجلس آماده شده بود (ملکزاده، ۱۳۸۳: ۵۶۰). جمعی از خدمه ارگ سلطنتی نیز که مجلس را مسبب کاهش حقوقشان می‌دانستند، به جماعت میدان توپخانه ملحق شدند (سالور، ۱۳۷۴: ۱۸۴۹). با پیوستن روحانیان مخالف مشروطه و در رأس آن‌ها شیخ فضل‌الله نوری، تجمع وجهه‌ای شریعت‌خواهانه یافت و میدان توپخانه به کانون به هم پیوستن دو کانون از هم‌گسسته حکومت و مذهب بدل گشت.

چند روز بعد، در ۱۱ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ق، در روزنامه آینه غیب‌نما دو تصویر از این واقعه ترسیم شد که تجمع این دو میدان را بازنمایی می‌کرد. تصویر نخست به تجمع میدان توپخانه می‌پردازد. عناصر و مفاهیم در مجموع بر نقش پررنگ و برتر فردی که رهبری این واقعه را بر عهده دارد تأکید می‌کند. این شخص که مشخصاً عنوان رئیس‌المستبدین گرفته، تقریباً در مرکز صحنه است و جثه‌ای به‌وضوح بزرگ‌تر از سایرین دارد. مفهوم کلیدی دیگر در این تصویر خشونت است، اما در تصویر دوم هیچ‌کدام از حاضران موقعیتی برتر از سایرین ندارد، جثه‌ها هم‌اندازه تصویر شده و همه مشغول فعالیت‌اند. ساختمان مجلس، سردر آن و لوح عدل مظفر و مسجد سپهسالار مهم‌ترین جزء تصویر است و حاضران برای دفاع از این مکان گرد هم جمع شده‌اند. اهمیت تأکید بر مکان در این تصویر برخلاف تصویر پیش که مکان به تصویر کشیده نشده، نشانگر احساس تعلق به مکان مجلس در تقابل با میدان توپخانه به‌منزله مکانی حکومتی و فاقد حس تعلق به مردم است. در این تصویر برخلاف تصویر تجمع میدان توپخانه، خبری از حضور زنان نیست، که ممکن است از امنیت کمتر این مکان خبر دهد.

در ۲۵ محرم ۱۳۲۶ق، در نزدیکی مجلس و مقابل خانه ظل‌السلطان واقعه ترور محمدعلی‌شاه، که برای گردش به دوشان‌تپه می‌رفت، با پرتاب نارنجکی به‌سوی خودرو او رخ داد که این حادثه علاوه بر اینکه نمایشی از عدم امنیت فضای شهری برای شاه و خارج شدن کنترل شهر از دست وی بود، گرچه به شاه آسیب نرساند، اما راه سازش میان شاه و مشروطه‌خواهان را سخت کرد (کسروی، ۱۳۶۳: ۵۴۲). شاه با نقشه سرکوب مجلس به باغ شاه رفت تا بیرون از شهر و در امنیت، اجرای آن را تدارک ببیند. خروج شاه از شهر، با نمایشی خشونت‌آمیز همراه بود (کرمانی، ۱۳۷۶: ۱۳۷). در غیاب شاه، مقدمات لازم برای سرکوب مجلس فراهم شد: نخست آنکه درباریان با پاره کردن سیم‌های تلگراف، ارتباطات مشروطه‌خواهان را محدود کردند. تغییراتی در حکومت تهران و رؤسای تلگراف‌خانه و پستخانه که عمدتاً مشروطه‌خواه بودند، ایجاد شد. کلنل لیاخوف، رئیس قزاق

خانه، مسئول نظمیه و نظم شهر شد و بر تعداد سواران حکومتی در سطح شهر افزود (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۳۹). با این مقدمات شاه صحنه را آماده اقدام خود دید. به این منظور اعلانی مبنی بر لزوم خروج هشت تن از برجسته‌ترین مشروطه‌خواهان از شهر منتشر کرد. انجمن‌ها به نشانه اعتراض در مجلس و مدرسه سپهسالار گرد هم آمدند (کسروی، ۱۳۶۳: ۵۸۷).

جمع شدن در مسجد سپهسالار علاوه بر مشروطه‌خواهی متضمن طرفیت و تقابل با شاه بود. تجمع انجمن‌ها در عمارت بهارستان و مدرسه سپهسالار تا چند روز ادامه یافت و در نهایت به خواست شاه و به اصرار وکلای مجلس جمعیت متفرق شد. سه‌شنبه ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ق، براساس طرحی قبلی، قزاقان و سربازان دولتی به سرکردگی لیاخوف خیابان‌های اطراف مجلس را محاصره کردند و مانع رفت‌وآمد در اطراف آن شدند (سالور، ۱۳۷۴: ۲۱۱۴). چهار توپ در ورودی چهار خیابان منتهی به میدان بهارستان مستقر و جنگ آغاز شد. در جریان این درگیری‌ها ساختمان مجلس و مسجد سپهسالار به شدت آسیب دید. علاوه بر این، خانه‌های ظل‌السلطان و بانوی عظمی و همچنین انجمن‌های آذربایجان و مظفریه که در حاشیه میدان بهارستان و در همسایگی عمارت مجلس بودند، به شدت آسیب دیدند و تخریب شدند. عصر همان روز خانه ظهیرالدوله نیز که مقر انجمن اخوت بود و چندی پیش از این واقعه پاتومیمی بر ضد شاه در آن اجرا شده بود، را نیز به توپ بستند. پس از این واقعه، قزاقان اطراف بهارستان را محاصره و از رفت‌وآمد به این مکان ممانعت کردند (مانتوف، ۱۳۲۶: ۳۷۳). به این ترتیب استبداد با غلبه بر مهم‌ترین مکان ظهور مشروطیت در شهر و حذف نشانه‌های مشروطیت محدود به ساختمان مجلس نماند: لوح عدل مظفر را که آشکارترین نشان هویت مجلس بر کالبد شهر بود، از سردر عمارت بهارستان کردند، با تخریب قبر شهدای مشروطه تلاش کردند نمودهای کالبدی این فضا را حذف کنند و به این وسیله فضا را در کنترل خود درآورند. در نهایت، تسلط حکومت با اعلام حکومت نظامی و در اختیار گرفتن شهر قطعیت یافت.

در این مرحله پدیده فضای شهری کارایی ندارد، بنابراین از مساجد، خانه روحانیون و علما به عنوان نقاط عطفی استفاده می‌شود که هم می‌تواند رفتار مردمی را جهت‌دار سازد و هم قادر است تا نوعی مشروعیت برای آن پدید آورد. این امر نقطه عطفی را در تبدیل یک عنصر کوچک‌دانه محیط شهری به یک نقطه عطف اجتماعی بازی می‌کند و مرحله تبدیل فضا به نشانه را رقم می‌زند.

در ماجرای فلک کردن تجار، نوعی از گسست فضایی میان تجار و حکومت که در تاریخی دیرپا سه‌گانه مذهبی و حکومتی را تشکیل می‌دهند رخ می‌دهد. این امر را باید نخستین تغییر در بازنمایی فضایی برای طبقه تجار محسوب نمود که باعث نزدیکی بیشتر نهاد تجار به نهاد مذهبی و تقابل آن‌ها با حکومت در جریان مسجد جامع تبدیل می‌گردد. این واقعه و بسته شدن بازار به عنوان فضایی کنشگر که بازنمایی فضایی بازار از یک حامی منفعل اصلاحات را به یک حامی فعال بدل می‌سازد و تا جایی این قدرت را پیش می‌برد که اصناف در جریان بست‌نشینی سفارت و آینده مجلس به نیرویی حتی مهم‌تر از روحانیت حامی مشروطه بدل می‌شوند.

بست‌نشینی مسجد جامع و نزدیکی آن به ارگ شاهی و مراسم سینه‌زنی بر مرگ طلبه جوان به سمت ارگ به معنای تقابل مستقیم با حکومت در محیط شهری به معنای تحت تأثیر قرار دادن یک ظرف فضایی و یک عنصر بازنمایی شده از طرف حکومت تحمل نشده و سران واقعه با محروم شدن از آب و غذا مجبور به رفتن به عبدالعظیم به عنوان یک نقطه کناره‌گیری از محیط شهری می‌شوند. اشغال یک پهنه شهری مهم به معنای تسلط بر فضای شهری است و از این رو مجموعه فضاهایی که نقش نظامی، تجاری و دولتی دارند به اشغال این افراد درمی‌آیند، اما نقطه عطف مهم‌تر این رفتار در فضای میدان ارگ به عنوان مکان نمایش دستاوردهای حکومت و فضای میدان بهارستان که هم رفتار اجتماعی مشروطه در آن شکل گرفته و هم محل نزاع‌ها بر سر طرفداری از مشروطه و هم مجلس به عنوان بخشی از نظام مشروطه است که نقش

این دوران که به دوران استبداد صغیر مشهور شد در نهایت با عزیمت نیروهای مشروطه‌خواه تبریز، گیلان و... و با فتح تهران، خلع محمدعلی شاه از سلطنت و افتتاح مجلس شورای ملی دوم، به استقرار مجدد مشروطه در ایران، پس از وقفه‌ای چند ماهه انجامید.



نقشه شماره ۲. تقابل فضاهای شهری توپخانه - بهارستان،

منبع: نگارندگان، تصاویر: <https://www.koaro.com>

بحث

اولین وقایع انقلاب مشروطه نشانگر بهره‌برداری از فضای سنتی شهر و ظرف فضایی تثبیت‌شده آن را دارد. مجرای گورستان به فضایی بازنمایی شده در سلسله‌مراتب مذهبی می‌پردازد و نزاع رخ داده بر سر آن نیز ترکیبی از محتوای مذهبی دارد. در این واقعه تنها بازنمایی فضایی رخ داده برای افراد در حوزه عمل در محیط شهری به نشانه اعتراض است که باید گامی در قالب تصرف محیط شهری توسط مردم قلمداد شود. آغاز حرکت از میدان‌های محله‌ای یا میدانی که این میادین به عنوان نقطه تجمع و هویت‌بخش محله نقطه تجمیع حرکات مردمی واقع می‌شوند. اما به‌طور واضح در این مرحله این گردآوری انسانی فاقد هویت مشروعیت و تعیین بخش است. زیرا رفتار انسانی در قالب این بعد محله‌ای تنها از نوعی همبستگی طبقه اجتماعی و همچنین تعیین بخشی رفتار روزمره حاصل می‌گردد. در این مرحله این افراد با هدف مشروعیت بخشیدن به رفتار خود نیازمند دستاویزی به عناصر هویت‌بخش درون فضا هستند و بالتبع

تأیید مشروطه‌خواهان در مقابل مخالفان را بر عهده داشته است. در این مرحله شهر به‌عنوان نقطه تقابل دو نشانه فضایی مشخص به مرحله دیگری وارد می‌شود.

واقعۀ باغ میکده نشانگر نیرویی در درون جامعه است که تعیین فضایی و زمانی خود را ندارد و در قالب نفوذ حاشیه به متن هیچ‌گاه تا زمان مشروطه در صدد اشغال و تعیین فضایی بر نمی‌آید. انتخاب باغ میکده به‌عنوان نقطه‌ای حاشیه‌ای در شهر نشانگر این موضوع و انتشار شب‌نامه در تقابل با تسلط فضایی دولت بر شب در شهر است.

اما واقعۀ بست‌نشینی سفارت دو موضوع مهم را یعنی اقتدار مردم برای شکل دادن به محیط جدیدی فارغ از محیط مذهبی برای تحصن و نظام‌مند بودن آن نشانگر نظم درونی است که در نتیجه هم‌راستایی اهداف ایجاد شده است. اکنون ملت که تاکنون در پرده‌ای از مذهب به مقابله با حکومت برخاسته بودند. در غیاب روحانیت قدرت خود را در سازماندهی به وقایع درک نموده و این نقطه تحول بسیار مهمی است که به‌سرعت موضوع سفارت را پشت سر نهاده و به محیط شهری راه می‌یابد. به‌گونه‌ای که پس از انقلاب مشروطه ما در تمامی وقایع نقش پررنگ مردم در محیط شهری را شاهد هستیم. این نقطه اوج بازنمایی فضایی به‌عنوان شهر مردم در انقلاب و افزایش نقش روشنفکران در شکل دادن به مطالبات جدید است. امری که به‌سرعت خود را در تعیین فضایی مجلس نشان می‌دهد. مجلس با هدف شکل دادن به نقطه تقابلی در برابر نهادهای سنتی مذهبی و حکومتی که به‌طور سلسله‌مراتبی به هم مرتبط بودند، فضایی فاقد تعیین را به‌سرعت به نمادی شهری بدل می‌کند و مدرسه سپهسالار را به نقطه مذهبی جدید و نشانه‌ای در مقابل مراکز سنتی مذهبی تحت اقتدار حکومت و روحانیت سنتی معرفی می‌کند. ماهیت متفاوت میدان بهارستان نیز نشان از دیالکتیک میان فضایی بازنمایی شده و بازنمایی فضایی در ذهن مردم دارد. بدون تغییری در این میدان، از دید مردم این فضا به‌عنوان فضایی مردمی پذیرفته می‌شود و در تقابل با میدان ارگ و توپخانه قرار می‌گیرد که از منظر کارگری و فضایی

به دولت تعلق دارند. در تقابل با تقویم مذهبی نیز تقویم مشروطه نشانگر دگرگونی زمانی فضا در شهر است.

در این مرحله چنان نظام فضایی شهری دستخوش تغییرات نمادین شده که بیش از تقابل مردمی در این مقطع از انقلاب، باید آن را جنگ میان فضاها بازنمایی شده با هم دانست. وقایع دوران محمدعلی شاه بر این تقابل فضایی صحنه می‌گذارد. شاید ظریف‌ترین رخداد آن تلگراف‌خانه برای ارسال شکایات به شاه در توپخانه باشد که در آن به‌نوعی بازنمایی فضایی توأم با حفظ جایگاه شاه و هم‌آوری با مشروطه مردمی به نمایش گذارده می‌شود. تقابل میان دو نهاد در جریان گردهمایی‌ها همان‌گونه که در روزنامه آئینه غیب‌نما هم به تصویر کشیده شده، تقابل مستقیم نیست بلکه نوعی هم‌آوردی نشانه‌وار از دو نهاد است. اشغال بخشی از فضاها شهری دارای کارکرد دولتی به معنای تقابل مستقیم با دولت است و مجموعه ساختمان‌های احزاب مخالف و روزنامه‌های وابسته به آن‌ها کارکرد مقابله با غیریت‌گرایی در اشغال فضای شهری را نشان می‌دهد. در این مرحله عدم تقابل مستقیم با مجموعه ساختمان‌های پیوسته با سلطنت که در این محدوده پراکنده است، نشانگر آن است که رخدادها در راستای یک نظم ایدئولوژیک مشخص حرکت می‌کنند. در این مرحله بجای مطالبات از نوع قشر فرودست مطالبات فکری طبقه متوسط مطرح می‌شود و نزاع‌ها جنبه تقابل احزاب و نیروهای فکری جامعه را نشان می‌دهد.

حرکت محمدعلی شاه به باغ شاه پس از ترور نافرجام او به‌وضوح یادآور بست‌نشینی‌های پیشین در راستایی وارونه است. اکنون قدرت شهری در دست مشروطه است و توانایی از آن خود ساختن وقایع را نیز در مرگ عباس آقا صرفاً به نمایش گذارده و اکنون محمدشاه تن به تبعیدی خودخواسته از محیط شهری می‌دهد. این تقابل فضایی در دوران سرکوب منجر به استبداد صغیر به اوج خود می‌رسد که در آن شاه سعی دارد تا با از میان بردن نشانه‌های مشروطه، ساختار شهری را به ساختار پیشین بازگردانده و مراکز قدرت نوظهور را از محیط حذف نماید. با توجه به

و نشانه‌های فضایی و درنهایت اشغال نشانه‌وار بخشی از شهر توسط مجلس که منجر به شکل‌گیری یک کانون قدرت جدید در شهر شده و به جزئی از نظام نمادین در زندگی روزمره شهری بدل می‌شود و درنهایت به نزاع میان گروه‌ها برای تصرف این فضاها تعیین یافته به‌منظور مقابله با یکدیگر می‌انجامد.

در کنار این بررسی تاریخی می‌توان گفت که از دیگر یافته‌های این پژوهش، نقش آن در شکل دادن به یک نظریه در مورد نحوه کارکرد جنبش‌ها و انقلاب‌ها در تغییر نظام فضای شهری، رفتن از وضعیت موجود و شکل دادن بسترهایی نوین برای تحولات آتی است که به دیگر محققان این امکان را می‌دهد که سیر تداوم این دگردیسی فضایی و نقش این بازنمایی‌های فضایی جدید را بر تحولات آتی شهر تهران همچون ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی به‌عنوان جنبش‌های اجتماعی آتی پیگیری نمایند.

همه موارد بیان شده به‌وضوح می‌توان به سه مرحله متفاوت استفاده از مظهر فضایی و نشانه‌ای موجود برای پیشبرد اهداف، شکل دادن به نشانه‌ها و فضای بازنمایی شده و تثبیت نشانه‌ها و تقابل نشانه‌ای در فضای شهری تهران در این دوره پی برد.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر بنا به اهداف خود به روشن ساختن بخشی از تغییرات فضایی تهران در عصر مشروطه می‌پردازد و نشانگر آن است که بین نحوه مصرف فضاها شهری در این دوره و تحرکات اجتماعی مردم در آن رابطه وجود دارد و در آن سه مرحله مختلف استفاده از کالبد فضایی که از منظر تاریخی توان مشروعیت بخشی به یک واقعه را دارد برای آغاز جنبش و مرحله شکل دادن به بازنمایی فضایی

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی؛ محمدابراهیم فتاحی ولیلایی. تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴)، *نقش جمعیت‌های مردمی در انقلاب مشروطه ایران*. مردم در سیاست ایران، پنج پژوهش موردی. ترجمه به‌رنگ حبیبی. تهران: نشر چشمه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۳۵)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت در ایران*. تهران: پیام.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۱)، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای ملی*. تهران: کتاب سیامک.
- آجودانی، ماشاالله (۱۳۸۲)، *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- اهری، زهرا و سیدمحسن حبیبی (۱۳۹۴)، *میدان بهارستان: تجربه نوآوری در فضای شهری ایرانی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بروان، ادوارد (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهری قزوینی. تهران: نشر کویر.
- بهجت‌پناه، هدی (۱۳۹۱)، *شهر تهران از منظر دادوستد کتاب: در دوره قاجار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. استاد راهنما: زهرا اهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بیات، آصف (۱۳۹۱)، *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران*. ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی، تهران: پردیس دانش.
- پاولویچ، م و ایرانسکی تریاس (۱۳۳۷)، *انقلاب مشروطیت و ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی آن*. ترجمه مهوشیار، تهران: رودکی.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۲)، *رسائل و اعلامیه‌ها...* روزنامه شیخ فضل‌الله نوری. جلد ۱ و ۲، تهران: رسا.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۳۸)، *تاریخ اوایل انقلاب و مشروطیت در ایران*. تهران: جانزاده.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷)، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۲)، *حیات یحیی*. تهران: نشر عطار و فردوسی.
- رحمانیان، داریوش (۱۳۹۰)، *جنبش مشروطه*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۵)، شماره ۲.
- روزنامه آینه غیب‌نما (۱۳۲۵)، شماره ۲۳.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. تصحیح ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: انتشارات بهزاد.
- صفاری، محمدعلی (۱۳۴۲)، *شهرداری تهران در ۳۸ سال قبل*. سالنامه دنیا، شماره ۱۹.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۲)، *تأملی درباره ایران*. جلد دوم (نظریه حکومت در ایران) بخش دوم (مبانی نظریه مشروطه‌خواهی). تهران: مینوی خرد.

- عابد، شورش (۱۳۹۱)، نقش قدرت در معماری ناصری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. استاد راهنما: زهرا اهری. استاد مشاور: امیرعلی نجومیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- علم، محمدرضا (۱۳۸۶)، *بازشناسی مبارزات قدمی علمای عتبات جهت اعاده مشروطیت ایران، علوم انسانی دانشگاه الزهراء*.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. ترجمه ابوالقاسم سری. جلد ۲. تهران: توس.
- فوران، جان (۱۳۹۲)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*. ترجمه احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قیصری، علی (۱۳۹۳)، *روشنفکران ایران در قرن بیستم از مشروطیت تا پایان سلطنت*. ترجمه محمد دهقانی. تهران: انتشارات هرمس.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۶)، *تاریخ بیداری ایرانیان*. تهران: نشر پیکان.
- کسروی تبریزی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*. جلد ۱ و ۲. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- گاندینر، مارک (۱۳۹۶). «مارکس زمان ما: هانری لوفور و تولید فضا»، درآمدی بر تولید فضای آنری لوفور، ترجمه آیدین ترکمه، چاپ دوم، تهران: انتشارات تیسرا.
- مانتوف، ن. پ (۱۳۲۶)، *حکومت تزار و محمدعلی‌شاه: بمباران مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۶ هجری قمری*.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*. تهران: نشر زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳)، *انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: انتشارات سخن.
- ممفورد، لوئییز (۱۳۸۱)، *جامعه مدنی در گذر تاریخ: خاستگاه‌ها، دگرگونی‌ها و دورنماهای آن: گفتاری در پیدایش، شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی*. ترجمه احمد عظیمی، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- نجفی، مهنام (۱۳۹۰)، *میدان توپخانه دارالخلافه ناصری: ذهنیت ایرانی و ره‌آورد دیگری*. تهران: نشر روزنه.
- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۹۵)، *حکایت دختران قوچان: از یادرفته‌های انقلاب مشروطه*. سوئد: نشر باران.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۱)، *اجتماعیون عامیون*. تهران: نشر نی.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۶)، *کودتاهای ایران*. تهران: نشر ماهی.
- Brenner, N. (2009). *Introduction: State, space, world*. In H. Lefebvre (Eds.), *State, space, world: Selected essays* (pp. 1-48). Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Elden, S. (2004). *Understanding Henri Lefebvre: Theory and the Possible*. London: Continuum.
- Lefebvre, H. 1991 [1974], *The Production of Space* translated by Nicolson-Smith, D. (Blackwell, Oxford).
- Merrifield, A. (2000). *Henri Lefebvre: A socialist in space*. In M. Crange & N.
- Purcell, M. (2002). *Excavating Lefebvre: The right to the city and its urban politics of the inhabitant*. *Geo Journal* 58 (2-3), 98-108.
- Smith, Neil, Low, Setha (2013) *the Politics of Public Space*. London: Taylor & Francis
- Thacker, A. (2003). *Moving through Modernity, Space and Geography in Modernism*. Manchester: Manchester University Press.
- Zieleniec, A. (2007). *Theory social and Space*, London, Sage.